

زورپای ملاپیری

«شپ تو زلفت اسیره
ماه پیش تو حقیره
امشبو اینجا بمون
واسه رفتن خیلی دیره
صدای تو ترانه اس
نگاهت پر از ستارس»
به به، خودم حال کردم
دروغام چه شاعرانس!

زندگی مون از یه چنسه
مثل حیاب روی آپ
پر از خالی، پر از هیچ
گنگ و مبهم چون سراب

زنده بودن یعنی این
سیستم بستن رو ماشین
آخر هفته کجایی؟
شمشک پریم یا دیزین؟

پارتی کردن شپ و روز
روز و شپ روی قرصیم
ددی هواتو داره
به هر چی بخوای میرسی

راز اکسیر چوونی
با ساکشن، با لیفتینگ
زیبایی فقط همینه
جراحی پلاستیک

مردونگی به اینه
هیکل و پادی پیلدینگ
مگه آدم مرد همیشه بدون رینگ و لاستیک؛

فقط با پول و قیافه
کارت درست نمیشه
یک کمیش هم با لهجست
injoori khareji misheh

اینجا و اونجاات مصنوعی
چشبات پرنک لنره
مقصد چه فرقی داره وقتی طرف سوار پتیره؛

خرید و فروش حواله
سواد لازم نداره
بهترین شغل دنیا
داشتن ددی پولداره

تا پستونا مارماریس
زمستونا لب پیست
زندگی بقیه
اصلاً پرام مهم نیست

از صبح به فکر اینم
که شب کجا پرنامس
پاتوقم هم نزدیکه
مدرسه دخترانس

راز اکسیر چوونی
با ساکشن، با لیفتینگ
زیبایی فقط همینه
جراحی پلاستیک

مردونگی به اینه
هیکل و پادی پیلدینگ
مگه آدم مرد همیشه بدون رینگ و لاستیک؟



© Copyright Bamahang Productions, 2005